

انسانیت، حقیقت و ادیان

در نمایشنامه ی ناتان خردمند اثر گوتهولد افرایم لسینگ

معصومه بوذری

مقدمه

گوتهولد افرایم لسینگ (1729-1781 م.) از متفکران عصر روشنگری است که همزمان با تحولات فلسفی جامعه اروپا سعی داشت با نگارش رسالاتی در باب فلسفه ادیان مخاطبان خود را آگاهی بخشد. او در آخرین نمایشنامه ای که به رشته تحریر در آورده برهه ای از تاریخ را برمی گزیند که بسیار قابل تأمل است: دوران جنگهای صلیبی.

در این یادداشت، ضمن اشاره ای مختصر به علل وقایع جنگهای صلیبی دویست ساله در سده یازدهم و دوازدهم، درباره تفکرات لسینگ بویژه در نمایشنامه "ناتان خردمند" به مروری تاریخی می پردازیم.

لسینگ نویسنده ای آزاد بود. وابستگی به دربار و مراکز قدرت نداشت و زندگی اش با شغل کتابداری می گذشت. در سال 1754 وی با فیلسوفی یهودی، به نام مندلسون، آشنا شد و دوستی آنان تا پایان عمر ادامه یافت. مندلسون پیوسته سعی در پیوند مسیحیان و یهودیان داشت. خرد، به اعتقاد لسینگ، علت حرمت و امتیاز انسان بر سایر موجودات است. و وظیفه انسان کوششی پایدار برای کسب حقیقت است. لسینگ انسان را نه صاحب حقیقت که طالب آن می داند. و می گوید: "حتی اگر خداوند در دست راستش حقیقت و در دست چپش راههای رسیدن به حقیقت را بگذارد من دست چپ او را برمی گزینیم."

لسینگ فاصله بین تماشاگران و قهرمانان نمایشنامه را از بین برد تا آنها هم خود را در سرنوشت قهرمانان سهیم بدانند و بیشتر با آنان همدردی کنند. همچنین قلمروی دیگری را نیز برای اشاعه افکار روشنفکرانه اش برگزید که حکایت حیوانات است و ضمن نقد و بررسی آثار دیگران خود نیز از این شیوه استفاده کرد. وی کتاب "لائوکون" را در نقد ادبی تدوین کرد و عقیده رایج درباره هنر شاعری را مورد نقد قرار داد. وی آخرین نمایشنامه خود، "ناتان خردمند" را در سال 1778 پایان داد و در اوایل 1779 به چاپ رساند. این نمایش دو سال بعد از مرگ نویسنده اش یعنی در سال 1783 برای نخستین بار در تئاتر برلین به روی صحنه رفت. بعدها شیلر با تغییراتی آنرا به روی صحنه برد که با استقبال بیشتری مواجه شد. بعد از آن هم این نمایش بارها در وین و بسیاری از شهرهای آلمان به نمایش درآمد.

لسینگ در اواخر عمر به فلسفه و تاریخ روی آورد و برای آن طرحی فراهم کرد. به عقیده او بشریت مطابق مشیت الهی در جهت شکوفایی انسانیت و تحقق آزادی گام برمی دارد.

لسینگ که خود را از پیروان اندیشه فلسفی اسپینوزا معرفی می کند به وحدت میان ادیان و نگاهی فراتر به دین های الهی معتقد است و ناتان خردمند را بیشتر برای آن به نگارش درآورده که به قدرت کلیسای

یکسونگر خرده بگیرد؛ کلیسایی که تا سالها پس از مرگ لسینگ هم می توانست با یک حکم تکفیر، افراد بسیاری را به اعدام محکوم کند.

"ناتان خردمند" در اوایل سال 1779 به چاپ رسید. و موضوع اصلی آن، کشف "حقیقت" بود؛ با تأکیدی بر بحث یگانگی یا کثرت گرایی ادیان الهی؛ یعنی موضوعی از یکی از عام ترین سؤالات بشر. لسینگ که خود از روشنفکران عصر خرد محسوب می شود این نمایشنامه را با انتخاب برگی از تاریخ به رشته تحریر درآورده که اختصاص به دوران جنگهای صلیبی و حکومت سلطان صلاح الدین ایوبی در بیت المقدس دارد، و یکی از بحرانی ترین دوره های تاریخ مقابلهء سه دین الهی یهود، مسیحیت و اسلام محسوب می شود؛ آن هم در منطقه ای که پیروان هر سه دین خواهان سروری بر سرزمین آب و نور و روشنائی (اورشلیم) بودند.

این است که می بینیم نمایشنامه ناتان خردمند پر از اشارات و کنایه هایی در انتقاد از کلیسا و بر اساس شواهد تاریخی است. شخصیت ها نیز تا حدودی با واقعیت مطابقت دارند. و اینهمه متأثر از این است که لسینگ خود کتاب "تاریخ جنگهای صلیبی" نوشته ولتر را به آلمانی ترجمه کرده است.

داستان این نمایشنامه از آن جا آغاز شده است که سلطان صلاح الدین، پیشوای مسلمین، از اعدام جوان صلیبی به دلیل شباهت چهره اش با برادر خود، اسد، جلوگیری کرده است. و در روزی که خانه ناتان یهودی آتش گرفته همین جوان صلیبی که در واقع برای جنگ وارد بیت المقدس شده با دلیری وارد خانه ناتان شده و دخترش رشا را نجات می دهد. رشا دل به این جوان می بازد. دایه ی رشا که از مسیحیان معتقد و مؤمن است و باور دارد که در سرزمین بیت المقدس معجزات رخ می دهند می داند که رشا دختر حقیقی ناتان نیست و هنگام تولد غسل تعمید داده شده. زمانی که ناتان از سفر به خانه بازگشته دایه ضمن خبر آتش سوزی خانه از رشادت جوان صلیبی می گوید و ناتان یهودی بزرگوارانه سعی در آشنایی با او دارد ولی جوان امتناع می کند. در اینجا جوان صلیبی خود را کورت فون اشتاوفن معرفی می کند.

از طرفی دیگر در دربار، سناه، خواهر سلطان صلاح الدین، به همراه الحفی، خزانه دار، نگران ولخرجی های سلطان هستند. سلطان خود چاره را در این می بیند که الحفی از دوست یهودی ثروتمندش، که به ناتان خردمند معروف است، درخواست کمک مالی کند. اما الحفی که خود از گبرهای هندوستان است، ترجیح می دهد در این ماجرا وارد نشده و به لباس درویشی سابقش برگردد تا خزانه دار کل سلطانی اینچنین ولخرج و دست و دل باز باشد.

بدین ترتیب ناتان به دربار خوانده می شود ولیکن صلاح الدین بدون توجه به مسائل مالی دربار از ناتان که به خردمندی مشهور است و آوازه افکار و عقاید روشنگرانه اش همه جا گسترده نظرش را درباره ادیان می پرسد و اینکه بالاخره کدام یک از این سه دین الهی ارجح است. و ناتان با زیرکی پاسخ خود را در قالب تمثیل انگشتی میراث یک پدر به سه پسرش بیان می کند... در صحنه آخر که در دربار سلطان می گذرد همین سند مشخص می کند که این دو فرزندان اسد برادر سلطان و ستاه هستند. و در حقیقت همه این چهار پنج نفر از دین های مختلف پیوند خویشاوندی و نیز پدر و فرزندخواندگی دارند.

این نمایشنامه که دارای زبانی نسبتاً منظوم و شاعرانه است به صورت کلاسیک در پنج پرده تدوین شده. شخصیت های نمایشنامه نیز کاملاً با واقعیت تاریخی و موقعیت اجتماعی شان منطبق هستند. مثلاً می بینیم نحوه بازی شطرنج سلطان با خواهرش و سخاوتش در باخت زود هنگام، نشانه ای است از تفکر بزرگوارانه صلاح الدین نسبت به بخشش به دیگران بدون توجه به برد و باخت های ظاهری و جنگهایی که پوچ اند. البته نقطه ضعف صلاح الدین هم از جانب خزانة دارش الحفی تذکر داده می شود که یک تنه تصمیم می گیرد و مشورت کسی را قبول ندارد. یا نقطه ضعف ناتان هم در آنجایی به چشم می آید که دایه می گوید که او خیرات زیادی می دهد تا خداوند نیکوکارترینش بداند. در واقع او نیز به نحوی به معامله گری در نیکوکاری متهم می شود.

منظور لسینگ از ناتان خردمند در واقع مندلسون، فیلسوف معاصر لسینگ و دوست صمیمی او است. در کنار جوان صلیبی که با تردید خود درگیر است و تعصبات مسیحی اش از یکسو و وجدان پاکش از سوی دیگر او را بسیار بی تاب و بی طاقت کرده لسینگ این دو مرد را قرار می دهد که هم ناتان یهودی و هم سلطان صلاح الدین مسلمان تفکر و اندیشه ای فراتر از دیگران دارند. همین تمایز را در مقایسه میان راهب و اسقف هم می بینیم. اسقف غرق در تعصبات خشک مسیحی است اما راهب به اخلاقیات چنان پایبند است که خطر می کند و راز سند را به هیچکس نمی گوید و به نحوی جان ناتان را نیز نجات می دهد؛ دقیقاً همانطور که یک بار صلاح الدین از اعدام جوان صلیبی جلوگیری کرده بود. همچنین یکبار هم این جوان صلیبی است که جان رشا را از آتش نجات داده است که دختر یک مرد یهودی است.

لسینگ تمثیل انگشتی یا همان قرابت سه دین یهودی، مسیحی و اسلام را از کتاب دکامرون نوشته بوکاجیو، دوست و هم مسلک پدر مکتب اومانیسیم، پترارک، برداشت کرده است، ولی این تمثیل قبل از تولد بوکاجیو در کتاب صد نوول که مجموع نوول هایی است که بین قرن سیزدهم و چهاردهم در ایتالیا

جمع آوری شده، آمده است. تمثیل انگشتر در کتاب صد نوول، در ضمن نوول هفتاد و سوم آمده است. در این نوول فقط خداوند می داند که کدام انگشتر اصل است. اما در کتاب نوول های دهگانه، پدر به خاطر عشقی که به سه فرزند خود دارد، هر سه انگشتر را مشابه هم می سازد. لسینگ این عقیده بوکاپیو را می پذیرد و در نمایشنامه ناتان خردمند می گوید: پدر چون پسرانش را به یک اندازه دوست می داشت، سه انگشتر مشابه به آن ها اهدا کرد.

پس هر کدام از این سه دین می توانند از نظر خداوند به یکسان نگاه شوند. این اندیشه در هر یک از انسانها ریشه دارد که با همه تفاوت های مکانی و رنگ پوست و نژاد و مذهب، باز هم میان همه پیوند های خونی برقرار است و همه از یک اصل نشأت می گیرند.

البته لسینگ اولین ادیبی نیست که در آلمان از برادری ادیان سخن گفته است. پیش از او اشن باخ در قرن سیزدهم یعنی درست در زمان جنگ های صلیبی داستان پارتسیفال را نوشته بود.

در اینجا اشاره ای به "ظهور مسیحیت" و "اوج گیری قدرت کلیسا" ما را به فضایی که داستان ناتان خردمند بر آن تأکید دارد نزدیک می کند:

پس از ظهور مسیحیت، هم حکمرانان یهودی و هم امپراتوران معتقد به چندخدایی روم باستان با دین تازه مخالفت داشتند؛ تا اینکه در سال 312 با گرایش کنستانتین اول به مسیحیت این دین به رسمیت شناخته شده و ترویج می گردد. "وقتی که مراجع قدرت روم عیسی را به دلیل اینکه اجازه داده بود اهالی یهودی اورشلیم او را مسیح بنامند (یعنی منجی انسانی قوم یهود) به مرگ محکوم ساختند صدوقیها با آنها موافق بودند." (تاریخ تمدن، توین بی. ص 359) تا اینکه با گسترش گرایش های مردمی "مسیحیت به صورت فرقه ای در میان تعدادی از فرقه های دین یهودی شروع به کار کرد." (همان، ص 362)

به طور کلی روم شرقی که وارث مستقیم یونان بود شامل آسیای صغیر، سوریه، فلسطین و مصر و شبه جزیره بالکان بود. و روم غربی شامل ایتالیا و بخش اعظم فرانسه، آلمان و اتریش به همراه بخشی از افریقای شمالی می شد. قدرت کلیسای مسیحی چنان فراگیر و عظیم شد که می توانست مخالفان را به جرم کفر، جادوگری و میثاق با شیطان، بی قید و شرطی تکفیر کرده و به قتل برساند.

اینچنین است که می بینیم در نمایشنامه ی ناتان خردمند هم اسقف با چه ایدئولوژی متعصبانه ای امر به اعدام ناتان یهودی کند که دخترخوانده اش را که در زمان تولد غسل تعمید داده شده است و از پدر و

مادری مسیحی بوده بدون توجه به حاکمیت کلیسا و مطابق با تفکرات شخصی خودش بار آورده. حتی او را از کتاب و مطالعه دور کرده زیرا خودش به تجارت و اندوختی سرمایه معتقد است نه درس و کتاب.

از سوی دیگر این مسلمانان هستند که به حاکمیت سلطان صلاح الدین موقعیت منطقه را حفظ می کنند. درباره ی "ظهور اسلام" و گسترش بی وقفه ی آن از سال 622 میلادی نیز در "تاریخ تمدن" چنین می خوانیم:

"سرعت و سیر فتوحات خلافت اسلامی واقعاً شگفت انگیز بود. مسلمانان در سال 633 م. به برتری یونان در اطراف مدیترانه که حدود 963 سال پائیده بود خاتمه دادند. و در سال 641 م. از متصرفات روم شرقی، بخش های سوریه، بین النهرین، و فلسطین و مصر را از آن خود کردند. همچنین از کل امپراطوری ایران در سال 637 م. عراق و سرتاسر ایران و در سال 651 م. تا سرحدات شمال شرق از جمله مرو گسترش یافتند. و در سال 677 م. جای پای موقتی در لبنان بدست آوردند. پذیرش اسلام در عربستان یک فریضه بود ولی در مناطق مفتوحه، گرایش به اسلام دلخواه بود. در قرن دهم میلادی شیعیان اسماعیلی و ایرانیان در اوج پیشرفتهای فرهنگی و سیاسی بودند." (همان، 445) و طبیعی است که در این میان زبان فارسی نیز از جایگاه و منزلت ویژه ای برخوردار است.

در نمایشنامه ی ناتان خردمند از اسد، برادر سلطان صلاح الدین، یاد می شود که زمانی که زنده بوده و با ناتان خردمند هم دوستی داشته اشعاری به زبان فارسی می خوانده است. زبان فارسی زبان مورد توجه بسیاری از تحصیل کرده های دوره ی سلجوقی در مناطق گردنشین و حتی عرب زبان بوده است. در کتاب تاریخ تطبیقی نوشته طه ندا چنین می خوانیم:

"ترکان سلجوقی که وارد آسیای صغیر شدند زبان فارسی را پذیرفته بودند و در مملکت داری بر ایرانیان فارسی زبان تکیه داشتند. پس از ورود ترکان سلجوقی به سرزمین روم این وضعیت تغییر نکرد و همچنان زبان و ادبیات فارسی در درجه نخست اهمیت قرار داشت. در این میان شاعران صوفی مسلک بیش از همه تحت تاثیر زبان و ادبیات فارسی قرار داشتند." (طه ندا؛ ص 99)

در واقع، لسینگ به شرق نگاهی نو و با رویکرد رمانتیک دارد و فراترنگری دینی را چاره ی گره های بسته جوامع متعصب می داند؛ و می توان گفت وی نمایشنامه ی ناتان خردمند را بیش از هر چیز به منظور تغییر جهان بینی معاصران خود به نگارش در آورده است؛ و با دست آویز قرار دادن واقعه ای شبه تاریخی در زمان جنگهای صلیبی انتقادهایی صریح را نسبت به قدرت کلیسا در آن گنجانده. برای

همین نیز سالها اجرای این نمایش ممنوع بوده است. در اینجا بد نیست مختصری در باره ی علل و پیامدهای جنگ های صلیبی (1095-1293) دقت کنیم:

دکتر ولی الله شایگان در مقدمه کتاب تاریخ جنگهای صلیبی نوشته رنه گروسه، به طور کلی 7 مورد را به عنوان علل بروز جنگهای صلیبی ذکر می کند:

- 1- ازدیاد نسبی جمعیت کشورهای منطقه که در جستجوی سرزمین های تازه بودند.
- 2- پیشرفت اقتصادی که نیاز به مواد اولیه و بازار فروش داشت.
- 3- رقابت با امپراطوری که پاپ این سیاست را در پیش گرفته بود.
- 4- پیشرفت نفوذ پاپ پس از اصلاحات پاپ گرگوار هفتم در سال 1073 که پاپ انتخاب اسقف ها را از سوی پادشاهان و فئودالها قدغن کرد.
- 5- جلوگیری از پیشرفت ترکان سلجوقی در آسیای صغیر و روسیه. و جلوگیری از سقوط قسطنطنیه و ورود ترکان به شبه جزیره بالکان.
- 6- به نظر رمانتیکها: جوش و خروش شوالیه ها برای ابراز نیروی پهلوانی و قهرمانی خود. مخصوصاً بسیاری فئودالهای فرمانده که می خواستند شاه اورشلیم باشند. یعنی بالاترین مقام پس از پاپ را کسب کنند.
- 7- موفقیت شایان شوالیه ها در نبرد با اعراب اسپانیا به ویژه در جزیره سسیل. (تاریخ جنگهای صلیبی، رنه گروسه، مقدمه مترجم)

به هر حال کمی قبل از شروع جنگهای صلیبی، ملکشاه سلجوقی سوریه را تصرف کرد ولی پس از مرگش به علت ضعف فرمانروایی مرکزی دو امیرنشین دمشق و حلب کدورت پیدا کردند و سوریه از زیر نفوذ سلجوقیان خارج شد. سوریه مدام مورد تهدید خلیفه فاطمی مصر بود. در سوریه، پیروان اسماعیلیه حتی علیه حکمرانان خلیفه با صلیبیون متحد می شدند. در همین دوران اسقف فرانسوی پاپ اوربانوس دوم که بعد به مقام پاپی رسید خطر آینده را حس کرد و فتوای آغاز جنگ را صادر کرد.

در نمایشنامه ناتان خردمند شخصیت سلطان صلاح الدین ایوبی، که اصالتی گُرد داشته و اجدادش از قصبه دوین واقع در اران (آذربایجان) بوده اند، به نیکخویی و جوانمردی پرداخت شده است؛ و البته این چنین ستایشی از یک فاتح مناطق اروپایی توسط اروپائیان خاص لسینگ و معاصرانش نیست: به طور کلی

درست همانگونه که از شخصیت اسکندر مقدونی، فاتح ایران در منابع تاریخ شرق به بزرگمردی یاد شده است و اسکندرنامه نظامی می تواند گواه این مطلب باشد؛ در منابع تاریخی غرب نیز شخصیت سلطان صلاح الدین ایوبی (564 ه.ق/1169م. - 589 ه.ق/1193م.)، فاتح سرزمین های غرب، بسیار ستایش شده است و خصلت های دلاوری، عدالت و بخشندگی او به طور خاص تقدیر شده است: "وقایع نگاران شجاعت و عدالت و غیرت او را برای جهاد می ستایند؛ اما از خلال نوشته هایشان دائماً چهره ای انسانی پدیدار می شود." (جنگهای صلیبی، امین معلوف؛ ص 249)

و اما چرا سلطان فاتح؟ "منظور صلاح الدین از فتح بیت المقدس انباشتن طلا یا انتقام جویی نبوده است. به قول خودش قصد او انجام وظیفه در راه خدا و دین بوده است. پیروزی او آزادسازی بیت المقدس از یوغ بیگانگان بدون خونریزی و ویرانی و نفرت است. خوشبختی او در سجده گزاردن در اماکن مقدس است، یعنی نقاطی که بدون وجود او هیچ مسلمانی نمی توانست نماز بگزارد." (همان؛ ص 282)

به هر حال نگرش فراتر بودن جایگاه حقیقی انسان نسبت به ظواهر شریعت دینی مبحثی بسیار تخصصی است که موضوع تحقیق و تفسیرهای اکثر اندیشمندان بوده است.

در ادبیات فارسی نیز در حد یک اشاره مختصر می توان گفت در اشعار بسیاری نگرشی را مشاهده می کنیم که آدمی را به یکسان نگری دعوت می کنند و از دوئیت ها و چند رنگی ها برحذر می دارند. چنانکه خواجه حافظ در بیتی می گوید: جنگ هفتاد دو ملت همه را عذر بنه/ چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند. که حقیقت بینی را چاره و درمان اختلافات بشر می داند و قطعاً در اینجا منظورش هفتاد و دو فرقه هندیان نیست؛ بلکه همه آدمیان است. و یا مولانا در داستان فیل در تاریکی حقیقت کلی را از بینش های جزئی نگر فراتر می داند و جزئی نگری را کاری ناصواب می شناسد. یا آنجا که به تفاوت زبانی در کلمه عنب و انگور اشاره دارد می خواهد گوشزد کند که معانی حقیقی را از الفاظ ظاهری باید جدا دانست زیرا که لفظ آدمی را گمراه می کند و از حقیقت دور می دارد. و نیز در دفتر اول مثنوی در بیتی از داستان وزیری که اهل نصارا را با مکر و نیرنگ اغفال می کند اشاره ای دارد به خُم رنگریزی ای که حضرت عیسی (ع) همه رنگها را به یک رنگ تبدیل می کند و با چندگانگی و دوئیت ها مخالفت دارد. البته تفکر مولانا در باب دین همان است که استاد زرین کوب در کتاب سرّ نی یا در مقالات دیگرشان و نیز استادان دیگر بیان کرده اند که پیامبر اکرم (ص) را ختم رسل دانسته و عصاره کل وحی الهی می داند چنانکه معتقد است چون که صد آمد نود هم پیش ماست.

در داستان عارفانه شیخ صنعان، هم منظور از زنار بستن و خوکبانی کردن این است که حقیقت عشق فراتر از لباسی است که اهل ظاهر بدان معتقدند. و اساساً منطق الطیر و داستان مرغان و سیمرغ به وحدت در حقیقت ما را رهنمون می شود. همچنین در مخزن الاسرار نظامی به داستانهایی برگرفته از احادیث کتب عرب و ایرانی برخورد می کنیم که نگاه توأم با احترام عارف را نسبت به اهل کتاب بیان می کند چنانکه ابوسعید ابی الخیر به شاگردانش گوشزد می کند که "اهل نصارا نه به فرمان من زنار بسته اند که به فرمان من باز کنند." و یا آنجا که خر عیسی را ارجح به بسیاری آحاد بشر می شمردند نیز در واقع مقام روحانیت رسولان را به ما گوشزد می کنند که مراقب طرز فکر خود باشیم و مقام والای انسانی خود را حفظ کنیم.

داستانهای بسیاری که از تولد حضرت موسی (ع) و پرورش او در دربار فرعون و یا هم کلامی با خداوند در طور سینا و سایر قصص انبیا در اشعار سعدی و دیگر شعرا می خوانیم همه اشاره به این دارند که ادیبان و عارفان پارسی زبان در قرون میانه با تکیه بر قصص قرآن کریم و احادیث موجود در شرق به مسیحیت و یهودیت نگاه کرده اند و از منظر عارفانه نیز آدمی را به فراتر رفتن از لباس ظاهر دعوت نموده اند؛ و به گونه ای وحدت در عین کثرت را در نظر گرفته اند؛ و این همه از نظرگاه اسلام بوده و اسلام را دین والاتر و آخرین دین خداوند دانسته اند.

برای مطالعه بیشتر در مورد حقیقت ادیان از دیدگاه اندیشمندان کتاب "اسلام و کثرت گرایی دینی" نوشته ی محمد لنگهاوزن پیشنهاد می شود و نیز مقاله ی "تأویل قرآن و حکمت معنوی اسلام" نوشته ی هنری کربن که در کتاب "مبانی هنر معنوی" به کوشش علی تاجدینی در حوزه هنری چاپ شده است.

منابع

- 1- لسینگ، گوتهولد افرایم. ناتان خردمند. ترجمه دکتر هادی مرتضوی. تهران: 1386. نشر قطره
- 2- دورانت، ویلیام جیمز. تاریخ تمدن. ج 4
- 3- معلوف، امین. جنگهای صلیبی (از دیدگاه شرقیان). ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی. 1369 نشر البرز
- 4- لوکاس، هنر. تاریخ تمدن (از کهن ترین روزگار تا سده ما). ترجمه عبدالحسین آذرنگ. تهران: 1376. سازمان انتشارات کیهان
- 5- گروسه، رنه. تاریخ جنگهای صلیبی. ترجمه دکتر ولی ا... شادان 1377 نشر و پژوهش فرزانه روز
- 6- توین بی، آرنولد. تاریخ تمدن (تحلیلی از تاریخ جهان از آغاز تا عصر حاضر). ترجمه یعقوب آزند. 1362 انتشارات مولی
- 7- همپشر، استوارت. عصر خرد (فلاسفه قرن هفدهم) ترجمه احمد سعادت نژاد 1345 انتشارات امیرکبیر و فرانکلین
- 8- ندا، طه. ادبیات تطبیقی. ترجمه دکتر حجت رسولی. 1384 نشر آوام
- 9- ذاکرزاده، ابولقاسم. مقاله "دوره ادبیات روشنگری در آلمان"

این مطلب اولین بار در وبسایت انسان شناسی و فرهنگ، در ویژه نامه ی نوروز 1391 منتشر شده است.